

کتاب کافی کلینی شناسنامه تشیع امامی است. به نحوی می توان تمام عرصه های تفکر شیعی از فقه و کلام و فلسفه و اصول فقه را شرح و تفسیر احادیث امامان شیعه دانست و به ویژه احادیث دو امام باقر و صادق (ع). کتاب کافی سرچشمه های شناخت ما را از مکتب این دو امام و سایر ائمه اطهار به دست می دهد و آن را بر اساس منابع اطمینان بخشی در اختیار ما قرار می دهد. ریشه های کتاب کافی به منابع بسیار کهنی از سده دوم می رسد، منابعی که قدمت برخی از آنها از منابع حدیثی سنی بیشتر است. متکلمان و فقیهان و فلاسفه شیعه در طول تاریخ همه آنچه در عرصه تفکر ارائه داده اند و از آن جمله آن جاهایی که از دستاوردهای فلسفه یونانی و یا کلام معتزلی بهترین بهره ها را بردند همه را معطوف به تفسیر احادیث امامان می خواستند و بیشتر ادبیات مکتوب خود را هم در چارچوب تفسیر و شرح احادیث به گونه های مختلف عرضه کردند. حتی شریف مرتضی که در مبانی کلامی و اصولی خود از معتزله بهره می گیرد در نهایت در کتاب شافی و یا مقنع و یا در رسائل مختلف خود از آن دستاوردها برای تقویت عقاید خاص تشیع استفاده می کند، مانند رد قیاس و اجتهاد و قاعده لطف و مبانی توحیدی و ضد جبری ائمه شیعه و از این قبیل.

با وجود همه شرح هایی که بر کتاب کافی نوشته شده متأسفانه تاکنون مطالعاتی جدی برای ارائه گفتمان کلینی در کافی و به تعبیر بهتر شرح و تفسیر منظومه فکری ائمه شیعه آن طور که در کتاب کافی عرضه شده انجام نگرفته. احادیث کافی در شروحنی که از این کتاب داریم مستمسکی برای ارائه بحث های فلسفی و یا فقهی و یا کلامی شده اما این غیر از تلاش برای ارائه منظومه فکری ائمه شیعه به عنوان مکتب اهل بیت است، آنطور که کلینی در چارچوب ساختارمند کتاب کافی قصد عرضه آن را داشته است.

من شخصاً معتقدم کتاب کافی در کلیت خود چه در اصول و چه در فروع کافی دقیقاً با یک ساختار از پیش تعیین شده و ساختارمند و اندیشیده شده که در مجموع ابواب و کتاب های مختلف آن تکه های پازلی را برای ارائه منظومه اهل بیت می سازند نوشته شده و می توان نظم ساختاری آن را در همه ابواب و حتی در نظم احادیث آن تا اندازه زیادی نشان داد.

کلینی احادیث را در طی سال ها گرد آورد و مهمتر از آن برای نقل آنها دست به انتخاب زد و برای تبویب و تنظیم ابواب و چینش احادیث سال ها تأمل کرد.

